

## بازنمایی الگوی دانشگاه اسلامی؛ دانشگاه سازگار با محیط علمی و اجتماعی

رضا مهدی<sup>۱</sup>

احمد کیخا<sup>۲\*</sup>

### چکیده

**هدف:** این پژوهش، با هدف شناخت دانشگاه اسلامی، دانشگاه سازگار با محیط علمی و اجتماعی انقلاب اسلامی ایران بر مبنای سند دانشگاه اسلامی و تصحیح برخی برداشت‌های ناصواب و سطحی از ایده دانشگاه اسلامی انجام شده است.

**روش‌شناسی پژوهش:** پژوهش کیفی حاضر با استفاده از راهبرد تحلیل مضمون انجام شده است. توجه به هدف مقاله، به سه پرسش شامل مؤلفه‌های اصلی الگوی دانشگاه اسلامی کدام‌اند؟؛ الگوی دانشگاه اسلامی دارای چه ابعادی است؟ و مدل طرح‌ریزی‌شده‌ی دانشگاه اسلامی چگونه اعباریبخشی شده است؟ پاسخ داده شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌ها شامل ابعاد چهارگانه پژوهش و فناوری، آموزش، مدیریت و فرهنگی - تربیتی و مؤلفه‌های نه‌گانه شامل سازگاری علمی با محیط پیرامون، ساماندهی ظرفیت‌های علم و فناوری، نظام آموزشی کارآمد، توسعه ظرفیت سرمایه انسانی، رهبری مؤثر در آموزش عالی، سازوکارهای تشویقی و رقابتی، ظرفیت‌سازی‌های نرم، ارزش‌های فرهنگی - تربیتی و ارزش‌های اسلامی - ایرانی، دانشگاه اسلامی، است.

**نتیجه‌گیری:** براساس این پژوهش، ابعاد و مؤلفه‌های دانشگاه اسلامی سازگار با محیط علمی و اجتماعی، یکی از برداشت‌های واقعی مستند از دانشگاه اسلامی است. کیفیت محصولات و خدمات، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی از پیامدهای دانشگاه سازگار با محیط می‌باشد. از این‌رو، یک برداشت صحیح دیگر از دانشگاه اسلامی، دانشگاه با کیفیت، تمدن‌ساز، جامعه‌محور و در تراز انقلاب اسلامی و متعهد به آرمان‌های آن است.

**کلید واژه‌ها:** دانشگاه اسلامی، دانشگاه جامعه‌محور، دانشگاه سازگار شونده، محیط علمی، محیط اجتماعی.

**Email:** iamahdi@yahoo.com

**Email:** ahmadkeykha8984@gmail.com

۱- دانشیار مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

۲- دانشجوی دکتری اقتصاد و مدیریت مالی آموزش

عالی، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده

علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران (نویسنده

مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

## مقدمه

روند کلی دوره‌ی حیات دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که با توجه به توسعه و پیشرفت جوامع و تغییر توقعات و نیازهای جامعه، تاکنون چهار نسل دانشگاهی شامل دانشگاه آموزش‌محور (نسل نخست)، دانشگاه پژوهش‌محور (نسل دوم)، دانشگاه کارآفرین (نسل سوم) و نهایتاً دانشگاه جامعه‌محور به‌عنوان دانشگاه نسل چهارم، تعریف و تا حدودی عملیاتی شده است (استاگنر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). با استناد به محتوای سند دانشگاه اسلامی می‌توان گفت ادعا کرد که این نوع دانشگاه یا ایده‌ی دانشگاه اسلامی، منطبق بر دانشگاه نسل چهارم یعنی دانشگاه جامعه‌محور (جامعه‌ساز) می‌باشد (مه‌دی و شفیعی، ۲۰۱۸). مسلماً دانشگاه جامعه‌محور واجد تمامی مشخصات و کارکردهای دانشگاه‌های نسل‌های پیشین بوده و از آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی و ارزش‌آفرینی مناسب و مطلوبی برای جامعه و زیرنظام‌های سیاسی، اقتصادی، محیط زیستی، اجتماعی و فناوری<sup>۲</sup> برخوردار است. نکته‌ی بسیار حائز اهمیت این است که در سال‌های طرح ایده‌ی دانشگاه اسلامی، در مبنای نظری و ادبیات دانشگاهی خبری از ایده‌ی دانشگاه جامعه‌محور نبود و نخستین متن رسمی درباره‌ی دانشگاه جامعه‌محور مربوط به سال ۱۳۹۹ است که تحت عنوان «دانشگاه جامعه‌محور و کارآفرین» توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تدوین و پس از رونمایی رسمی در محل وزارت، به دانشگاه‌ها ابلاغ شده است<sup>۳</sup>.

در نامه مذکور، سیاست‌هایی مختلفی برای پارادایم دانشگاه جامعه‌محور تعریف شده است: ۱. توسعه دوره‌های مهارت‌افزایی و ارتقای سطح اشتغال‌پذیری دانشجویان، ۲. شناسایی نیازهای جامعه و پاسخ‌گویی به آنها، ۳. واگذاری اختیارات بیشتر به هیأت‌های امناء، ۴. نهادینه کردن فرایند نوآوری در دانشگاه‌ها، ۵. هدایت رساله‌های تحصیلات تکمیلی به سوی حل چالش‌های کشور. همچنین، در سند دانشگاه جامعه‌محور، آورده شده است که دانشگاه‌های آینده با تأکید بر دانشگاه‌های جامعه‌محور و کارآفرین باید راهبردها و اقدامات خود را براساس سیاست‌های کلان و جامع‌نگر بنیان نهند. بر این اساس، هفت سیاست با محوریت جامعه‌محوری و کارآفرینی در دانشگاه‌ها آورده شده است: ۱. حرکت در مرزهای دانش و تقویت بنیه علمی، فناوری و نوآوری با محوریت قرارگیری در بین دانشگاه‌های برتر نوآور، کارآفرین و جامعه‌محور جهان، ۲. جامع‌نگری در عرصه‌های سه‌گانه آموزش، پژوهش و فرهنگی-اجتماعی...، ۳. مسئله‌محوری و نگاه دقیق به نیازها و عرصه‌های جدید فعالیت...، ۴. تسهیل ارتباط و دسترسی مردم، بنگاه‌ها و بخش‌های اجتماعی و اقتصادی به ظرفیت‌های دانشگاه‌ها...، ۵. توجه به سرمایه فکری دانشگاه‌ها به‌مثابه عامل توسعه پایدار با هدف نوآوری، کارآفرینی و ارزش‌آفرینی آنها، ۶. حفظ حرمت دانشگاه و تقویت ارزش‌های فرامادی...، ۷. کوچک‌سازی ساختارهای اجرایی و ایجاد ساختارهای منعطف و متناسب با نیازهای جدید... .

1. Stagner  
2. PEEST

۳. طی نامه شماره ۵۱۴۹۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۳۱

واقعیت این است که دانشگاه‌های مدرن امروزی تنها محل آموزش، تولید علم و فناوری و صرفاً یک سازمان مادی نیستند (یمنی، ۲۰۰۲: ۱). امروزه، رسالت فرهنگی دانشگاه‌ها در آماده سازی دانشجویان برای رویارویی با واقعیت‌های جامعه، اهمیت زیادی پیدا کرده و به رسالت اجتماعی و جامعه‌پذیری دانشگاه برای تربیت شهروند خوب، تأکید می‌شود (یمنی، ۲۰۰۴: ۲۷۰). احیاء و ارتقای رسالت‌های فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی ایران به سبب اقتباس دانشگاه‌های ایران از الگوهای دانشگاهی غرب و ضرورت درون‌زایی و توسعه ارتباطات تعاملی با نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، یک مسأله حیاتی است. بر اساس فلسفه آموزش عالی، آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی سه رسالت کلیدی و غیرقابل تردید دانشگاه‌های معاصر می‌باشد. روشنگری، تعمیق ارزش‌ها، هنجارها، باورها، عقاید و اخلاق و آماده‌سازی دانشجویان برای زندگی جمعی و پرورش شهروندان مسئول و خودانگیز، از خدمات اجتماعی دانشگاه‌ها است. با توجه به رسالت‌های فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها و تأثیرات شگرف آنها در بالندگی جامعه، تمدن‌سازی و توسعه منابع انسانی متعهد و متخصص، تلاش برای تبیین چرایی و چگونگی تعامل دانشگاه با جامعه و دولت (حکومت) و تحول درون‌زای فضای دانشگاهی یک وظیفه مهم در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نظام دانشگاهی و بهره‌گیری از ظرفیت بی‌نظیر نظام دانشگاهی است.

افرادی که با سند دانشگاه اسلامی آشنایی کمتری دارند، فکر می‌کنند دانشگاه اسلامی صرفاً به مسائل جنسیت، مسجد و نماز، عفاف و حجاب، روابط زن و مرد و مواردی از این دست، پرداخته و حاوی محدودیت‌هایی برای دانشگاهیان (مدیران، استادان، دانشجویان و کارکنان) است. در حالی که بر اساس تحقیقات این مقاله، می‌توان دست کم یکی از ویژگی‌های ممتاز و برجسته دانشگاه مدنظر سند دانشگاه اسلامی را سازگاری دائمی با محیط علمی و اجتماعی تعریف کرد. اکثر دانشگاه‌های معتبر و پیشرو جهان به دنبال دستیابی به چنین ویژگی مهمی هستند. در مفاهیم دانشگاهی، منظور از محیط علمی شامل فرهنگ، شرایط، سنت‌ها، معیارها، ارزش‌ها، هنجارها و اخلاقیات زیست بوم علم و دانش در فضایی به نام دانشگاه است. همچنین، منظور از محیط اجتماعی، کلیت محیط، جامعه بزرگ و نظام‌های پیرامونی دانشگاه در ابعاد سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و فناوری<sup>۱</sup> است (بویر<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۲). از این‌رو، دانشگاه اسلامی با دو محیط شامل محیط علمی و هنجارها و ارزش‌های آن و محیط اجتماعی و الزامات و نیازهای آن، سازگاری دارد.

با عطف به مطالب فوق، هدف از این مقاله، بازنمایی الگوی دانشگاه اسلامی، دانشگاه سازگار با محیط علمی و اجتماعی انقلاب اسلامی ایران بر مبنای سند دانشگاه اسلامی و تصحیح برخی برداشت‌های ناصواب و سطحی از ایده دانشگاه اسلامی می‌باشد. برای دستیابی به این، سه پرسش زیر بیان شده است:

- مؤلفه‌های اصلی الگوی دانشگاه اسلامی کدام‌اند؟
- الگوی دانشگاه اسلامی دارای چه ابعادی است؟

1. PEEST

2. Boer

- الگوی طرح‌ریزی شده‌ی دانشگاه اسلامی، چگونه اعتباربخشی شده است؟

### پیشینه و چارچوب مفهومی

در عصر روشنگری، یکی از خصوصیات دانشگاه‌های اروپایی وابستگی به کلیسا بوده است. تنها در قرن ۱۹ میلادی است که دانشگاه‌های غربی به موازات رشد سرمایه‌داری، ارتباط خود را با نهادهای مذهبی قطع کرده‌اند. حتی تا دهه ۱۹۶۰ تمام رؤسای دانشگاه‌های کبک کانادا خصوصاً دانشگاه مونترال، از میان کشیشان انتخاب می‌شدند (یمنی، ۲۰۰۴: ۱۲). موضوع بومی کردن آموزش و علوم دارای سابقه حداقل ۶۰ ساله در جهان است. جریان بومی سازی آموزش و نظام‌های آموزشی به دوره پس از رفع استعمار و کسب استقلال سیاسی کشورهای مستعمره در دهه ۱۹۵۰ بر می‌گردد (محسن پور، ۲۰۱۲: ۲۳-۲۲). یکی از ابعاد مهم بومی‌سازی آموزش و علوم می‌تواند اسلامی کردن آنها با محوریت علما و دانشمندان مسلمان باشد. در ایران، دوره و فرایند دانشگاه اسلامی و اسلامی کردن دانشگاه‌ها، از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده است. یکی از توجیحات مبنایی تعطیلی دانشگاه‌ها در اوایل انقلاب، موضوع اسلامی سازی علوم و به تبع آن، اسلامی کردن نظام دانشگاهی بوده است. در دوره انقلاب فرهنگی، تلاش بر این بوده است که علوم غربی موجود در دانشگاه‌ها به نحوی با علوم اسلامی با راهکارهایی شبیه ایجاد میان رشته‌ای‌ها، ترکیب شده و رشته‌های علمی جدیدی برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه اسلامی به‌وجود آید. در دهه اخیر، جدی‌ترین تلاش‌ها برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها، تشکیل شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی به ریاست وزیر علوم، تحقیقات و فناوری توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی در مرداد ۱۳۷۶ بوده است. مأموریت شورا، تدوین سیاست‌های اسلامی شدن دانشگاه‌ها است. اولین برنامه مدون (سند) دانشگاه اسلامی در سال ۱۳۷۶ توسط شورا تدوین شده است. با توجه به تحولات محیطی و ضرورت به‌هنگام سازی راهبردهای گذشته، دوره جدید تلاش‌ها برای تهیه سند دانشگاه اسلامی از اواخر سال ۱۳۸۹ با آسیب‌شناسی فعالیت‌های گذشته و بازاندیشی سند اولیه دانشگاه اسلامی، آغاز شد. محصول این مساعی، سند جدید دانشگاه اسلامی است که در تابستان ۱۳۹۲ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده و در مرداد ۱۳۹۲ به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط، ابلاغ شده است. سند جدید دانشگاه اسلامی در نه فصل شامل (۱) مأموریت، (۲) اصول و مبانی، (۳) چشم‌انداز نظام آموزش عالی در افق ۱۴۰۴، (۴) اهداف کلان، (۵) نظام فرهنگی - تربیتی، (۶) نظام آموزشی، (۷) نظام پژوهش و فناوری، (۸) نظام مدیریتی، (۹) چارچوب نهادی و نظام اجرایی، تهیه و تصویب شده است.

دانشگاه‌ها نقش بسیار مهم و بی‌بدیلی در پیشرفت و توسعه جوامع دارند. دانشگاه‌های بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران، به سبب اقتباس از الگوهای دانشگاه‌های غربی، کمتر توانسته است ارتباط تعاملی مناسبی با شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایجاد نماید. به زعم یمنی، زمانی که الگوی توسعه دانشگاه، ریشه در شناخت دانشگاه و محیط آن نداشته باشد آن را از مسائل واقعی دور می‌سازد و به‌جای آثار مثبت، آثار منفی بر جای می‌گذارد (۲۰۰۲: ۱۲). سیر تحولات نظام دانشگاهی نشان

می‌دهد دانشگاه‌ها همواره از نیروها و عوامل بیرونی تأثیر می‌پذیرند. به عبارتی، دانشگاه به شکل اجتماع و جمهوری علمی است که تأثیرات حکومت و بازار را تحمل می‌کند (یمنی، ۲۰۰۲: ۱۵). با این وجود، همواره دانشگاه‌ها در معرض تحولات درونی و بیرونی متأثر از روندها و تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جامعه ملی و بین‌المللی بوده‌اند. از این‌رو، لازم است در راستای تأمین نیازها و تحقق ارزش‌های جامعه، خود را با شرایط و اقتضات محیط و جامعه تطبیق دهند. از منظر آینده‌نگری نیز برخی صاحب نظران، الگوی توسعه دانشگاه‌ها را یک الگوی تعاملی دانسته و معتقدند دانشگاه‌ها باید نسبت به نیازهای جامعه و دولت (حکومت) پاسخ‌گو باشند. بر پایه دیدگاه‌های اندیشمندان بزرگ غربی، ارزش‌های علمی مخصوصاً در علوم انسانی، هرگز از ساختار اجتماعی جدا نبوده (کوی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰: ۳۰۵) و نظام آموزشی در زمینه ملی<sup>۲</sup> از سیاست، سطح عمومی جامعه و توسعه اقتصادی و اجتماعی، خصوصاً فرهنگ، تأثیر می‌پذیرد (کوی، ۲۰۰۰: ۴۲۶). همچنین، به اذعان اندیشمندان غربی، اعتبار علمی که در کشورهای شمال [غرب] رشد یافته‌اند بر آموزش و پژوهش در کشورهای جنوب [در حال توسعه] اثر بازدارنده داشته است. غالباً دانشجویان جنوب تلاش می‌کنند تا نظریه‌ها، مفاهیم و روش‌های توسعه داده شده در غرب را بدون تأمل در مورد تناسب آنها با جامعه خود، بپذیرند. از دهه ۷۰ میلادی در خصوص نظرات جدید در زمینه‌های معرفت‌شناسی، نظری و روش‌شناسی بر اساس تجربه اجتماعی و فرهنگی و نیز ارزیابی دوباره فلسفه‌های سنتی، آگاهی به وجود آمده است (کوی، ۲۰۰۰: ۴۹۰). قطعاً یکی از جلوه‌های اصلی این آگاهی، تلاش برای بومی سازی علوم و نظریه‌ها در کشورهای جهان سوم و تلاش برای اسلامی علوم در کشورهای اسلامی است.

به نظر یاسپرس، دانشگاه محلی برای تدریس، پژوهش و انتقال ارزش‌های فرهنگی است و بر پایه سنت روشنگری هومبالت، آموزش و تربیت یک فرد کامل هدف دانشگاه بوده و دانشگاه باید بتواند جهان‌بینی متقنی را ارائه کند (یاسپرس<sup>۳</sup>، ۱۹۶۰): در واقع، ساختن شخصیت دانشجو و انتقال فرهنگ به منزله عنصر مهم برای دانشگاه مدرن تعریف شده است. الگوی هومبالت شامل جستجوی حقیقت و شکل‌گیری شخصیت انسان کامل در دانشگاه است (دیلناتی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵). از نظر پارسونز و پلات، سه انقلاب بزرگ، مدرنیته را تشکیل داده‌اند: انقلاب صنعتی، انقلاب دموکراتیک و انقلاب آموزشی و توسعه آموزش عالی (پارسونز و پلات<sup>۵</sup>، ۱۹۷۳)، همچنین دانشگاه نهادی است که در قلمرو فرهنگ و جامعه حضور دارد و منازعه‌ای بین این دو کارکرد نمی‌باشد. کارکردهای اصلی دانشگاه از نظر پارسونز و پلات شامل پژوهش، تربیت نیروی کار ماهر، آموزش عمومی و توسعه فرهنگی است. بنابراین، نظام آموزشی به‌طور عام و نظام آموزش عالی به‌طور خاص، نقش ممتازی در توسعه جامعه و شهروندی فرهنگی- اجتماعی

1. Le Thanh Khoi
2. National Context
3. Jaspers
4. Delanty
5. Parsons & Platt

دارد. اگر کشوری خواهان ایجاد سرمشق خاصی برای توسعه است می‌تواند از قابلیت‌های نظام آموزشی، استفاده کند. از نظر دلالتی، دانشگاه را نمی‌توان از جامعه مدنی جدا کرد، دانشگاه به توسعه شهروندی و انتقال ارزش‌های فرهنگی در جامعه کمک می‌کند. دانشگاه از قرن ۱۹ میلادی با فرهنگ در ارتباط بوده است (دیلناتی، ۲۰۰۴). همچنین، از نظر وی، اسلامی شدن دانش از یک منظر، دفاع از ارزش‌های بومی در برابر ارزش‌های فرهنگ غربی و از منظر دیگر، مبین تمایل روشنفکران مسلمان به پذیرش حاکمیت اسلام و تمایل به برقراری مجدد آن است. اسلامی شدن علم، چالشی واقعی و مهم برای هژمونی فرهنگ دانشگاهی غرب است (دیلناتی، ۲۰۰۱).

از نظر یمینی (۲۰۱۰: ۶۰) دانشجو هسته اصلی تحرک دانشگاه سازگار شونده است. در این دانشگاه باید به ارتباط فرهنگ دانشگاهی و فرهنگ برون دانشگاهی توجه جدی شود. در دانشگاه سازگار شونده، سازگاری دانشجو با فرهنگ دانشگاه اهمیت دارد. آموزش‌های لازم برای انجام این کار در ابتدای ورود دانشجو به دانشگاه و نیز طول دوره تحصیل، سازماندهی می‌شود (یمینی، ۲۰۱۰: ۶۳-۶۰). از این رو، در دانشگاه اسلامی با منطق یک دانشگاه سازگار شونده باید بر مبنای ارزش‌های فرهنگی بر نقش، جایگاه و آموزش فرهنگی دانشجویان، اهتمام ویژه شود.

داوری اردکانی (۱۳۷۹) معتقد است علم جهانی است ولی هر جایی نیست و نمی‌توان آن را به آسانی به همه جا و به هر جا منتقل کرد. علم کانون‌هایی دارد که در آن کانون‌ها رشد می‌کند. زمانی چین، هند، مصر، ایران، یونان، جهان اسلام و نهایتاً جهان غرب، زیست بوم علم شده است (سارتون، ۱۹۸۲). از منظر زیست بوم مورد نیاز برای رشد و توسعه علم، لازم است به الزامات و شرایط رشد و توسعه علم در یک جامعه توجه کرد. علم و دانش و نهادهای آن در شرایط و فضای خاصی رشد و نمو می‌کنند. علم و دانش، همه جایی و هیچ جایی است و باید شرایط لازم و کافی برای بالندگی آن فراهم شود (مهدی، ۲۰۱۰: ۴۵-۵۰).

با نگاهی به تحولات نظام دانشگاهی، پیتر دراگر در سال ۱۹۹۷ ادعا کرد «تا سی سال آینده، دانشگاه‌های بزرگ فقط بنای یادبود خواهند بود (هارسیچ و وبر، ۱۹۹۹)؛ با تأمل بر تاریخ و اسامی دانشگاه‌های معتبر دنیا می‌توان دید که از دانشگاه‌های مطرح جهان در دو هزار سال گذشته تا زمان شکل‌گیری دانشگاه‌های مدرن در قرن ۱۲ میلادی، حتی بنای یادبود هم نمانده است. این امر مبین امکان تغییرات وسیع دانشگاه‌ها تا حد اضمحلال و نابودی است. برای مردم ایران اثری از دانشگاه بین‌المللی جندی شاپور عصر ساسانی نمانده است. برای مردم مصر دانشگاه موزیوم اسکندریه مفهومی را تداعی نمی‌کند. مردم هند از دانشگاه تاکسیلا و دانشگاه ویکراما سیلا اثری نمی‌بینند. اثری از دانشگاه بیت‌الحکمه بغداد در زمان مأمون عباسی، نیست. همچنین، در دنیای معاصر برای دانشگاه‌های اروپایی که به الگوی همبولت متکی هستند روند جدایی آموزش و پژوهش به منزله پایان حیات این دانشگاه‌ها است.

نیاز به شفافیت، رقابت روزافزون و ارتقای کیفیت، تهدیدهای جدی برای الگوی دانشگاه جامع است. دانشگاه‌های الگوی بولونیا که به سبب فشار مالی مجبور هستند به پژوهش‌های سفارشی متوسل شوند، به نوعی پایان حیات خود را، البته از نوع ماهیتی، تجربه می‌کنند.

امروزه، برخی دانشگاه‌های معتبر جهان وادار شده‌اند از نظام‌های مدیریتی سازمانی استفاده کنند. این موضوع دانشگاه‌ها را از حالت مکان‌های سنتی خودمختار خارج و تا حدودی به بنگاه‌های کسب و کار تبدیل کرده است. اکنون اعتقاد مبنی بر دانش ذاتاً با ارزش و قابل تحقق در برج عاج آکادمی رنگ باخته است (دلانتی، ۱۳۸۶). به تعبیر گینکل<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) انزوای با شکوه نظام دانشگاهی رو به پایان است و به تعبیر لین تین<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) ایده مقدس انگاری و تغییر ناپذیری دانشگاه در حال تضعیف است. دانشگاه‌های غرب همانند بنگاه‌های تجاری برای جذب دانشجو، استاد و اعتبارات با هم رقابت می‌کنند (پاور<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷) و دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها چهره مدیریتی‌تری نسبت به گذشته، به خود می‌گیرند (کوهن و مارچ<sup>۴</sup>، ۱۹۷۴)؛ به‌طوری‌که دامینلی و هوگولت<sup>۵</sup> (۱۹۹۶) از تیلوریسم آکادمیک در مدیریت دانشگاه و رواج نوعی رفتار سازمانی، نام می‌برد.

بر اساس شواهد فوق، امکان نابودی و اضمحلال شکلی، فیزیکی، کارکردی یا ماهیتی دانشگاه‌ها وجود دارد. امروز این اضمحلال در ماهیت برخی از دانشگاه‌ها و برخی کارکردهای دانشگاهی کاملاً مشهود است. تاریخ دانشگاه‌های مدرن (دانشگاه‌هایی که تاریخ پیدایش آنها کمتر از هزار سال بوده و اکثر آنها متعلق به قرن بیستم هستند) دارای منشأ معینی هستند. به‌طور عمومی ریشه و منشأ دانشگاه‌های غربی در دانشگاه بولونیا<sup>۶</sup> و تحرک پژوهشی دانشگاه‌های آمریکای شمالی ریشه در الگوی همبولت<sup>۷</sup> بوده و در اکثر کشورهای کمتر توسعه یافته، سنت دانشگاهی ریشه در استعمار دارد. در کشورهای کمتر توسعه یافته غیر مستعمره نظیر ایران، نظام دانشگاهی تقلیدی از دانشگاه‌های غربی است (یمنی، ۲۰۰۴: ۱۲). دانشگاه مدرن (غرب) از پشتوانه تاریخی برخوردار است. دانشگاه‌ها در صورتی می‌توانند نقش تاریخی خود را در آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی حفظ کنند که خود را با تغییرات سایر بخش‌های جامعه انطباق دهند (گردنیر<sup>۸</sup>، ۱۹۹۲).

طی دو قرن اخیر، دو انقلاب بزرگ علمی حادث شده است. در انقلاب نخست، دانشگاه‌ها علاوه بر مأموریت<sup>۹</sup> آموزشی، مأموریت پژوهشی را نیز پذیرفته‌اند (مهدی، ۲۰۱۰: ۵۵-۵۰). در انقلاب دوم،

1. Ginkel
2. Lin Tien
3. Power
4. Cohen & March
5. Dominelli & Hogvelt
6. Bologna
7. Humboldt
8. Gardner
9. Mission

دانشگاه‌ها علاوه بر مأموریت‌های آموزشی و پژوهشی، مأموریت نوآوری فناورانه را نیز متقبل شده و کارآفرینی علمی ظهور کرده است. مورن<sup>۱</sup> معتقدست امروزه علم در قلب جامعه مستقر شده است. علم در عین گسترش تأثیر و نفوذ خود بر جامعه، به تعیین فنی- بوروکراتیک سازمان صنعتی کار تن می‌دهد (مورن، ۲۰۰۱). بر اساس نظام ملی نوآوری، دانشگاه، صنعت و دولت مرزهای مشخص و معینی دارند. نوآوری فناورانه کارویژه صنعت، توسعه علم و آموزش کارویژه دانشگاه و سیاستگذاری و ایجاد انگیزش نوآوری، کارویژه دولت است. نوآوری در اثر تعامل بین صنعت و دانشگاه در بازار تحقیق و توسعه به وجود می‌آید. با بروز تحول جدید در تولید دانش و ظهور انقلاب دوم علمی و ظهور اقتصاد و جامعه دانش بنیان، مرزهای دانشگاه، صنعت و دولت نادقیق و مختل شده است (ایتزکویتز و لیدسدورف<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰). امروزه، صنعت و پژوهش آن‌چنان در هم تنیده شده‌اند که هر روز تعارض جدیدی بین منافع پژوهشگران و منافع تجاری ایجاد می‌شود. بسیاری از پژوهشگران یا گروه‌های پژوهشی زیر کنترل شرکت‌های صنعتی قرار می‌گیرند که از طریق ثبت اختراع به دنبال سود هستند (بورديو، ۲۰۰۸). در ادامه دانشگاه نسل چهارم<sup>۳</sup> الگوی حرفه‌ای نوینی را برای نهاد آموزش عالی تعریف می‌کند که برای توسعه منطقه‌ای و محلی بسترسازی می‌کند (پاولوسکی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹). در چنین فضایی، اگرچه آموزش عالی محصور و محدود به فضاهای مکانی یا جغرافیایی مشخصی نیست، اما دغدغه اصلی دانشگاه علاوه بر حضور جهانی اقتصاد محلی و محیط بلافصل خویش از طریق تشکیل جامعه دانشی است. به سخن دیگر دانشگاه نسل چهارم روندها و سیاست‌های توسعه محلی و منطقه‌ای را رهبری می‌کند، سرمایه‌های فکری و تغییرات محیطی را مدیریت می‌کند و آینده خود و جامعه را شکل می‌دهد. در واقع، دانشگاه نسل چهارم به‌مثابه ذهن هدایتگر و سناریوساز جامعه آینده است و فراتر از رابطه متعارف سه گانه دانشگاه، دولت و صنعت می‌باشد و به نوعی جامعه‌ساز هستند (خورسندی طاسکوه، ۲۰۱۸). چراکه این نسل دانشگاه با آفرینش منطقه‌ای و محلی دانش سروکار دارد و مأموریت دانشگاه معطوف می‌شود به این‌که محل و منطقه خود را توانمند کنند تا از این حد نیز فراتر بروند که کارشان فقط جذب دانش جهان است بلکه قادر به نوآوری و آفرینش دانش جدید متناسب با مسائل منطقه بشوند و سبک‌های مبتکرانه‌ای از تولید دانش را ابداع کنند و خود را در دانش جهانی به اشتراک بگذارند و سهیم شوند و به تنوعات دانش جهانی بیفزایند بدین ترتیب شرایط رقابتی در اقتصاد دانش در محل و منطقه به حد بالایی می‌رسد (فراستخواه، ۲۰۱۹). در ادامه در جدول (۱) رهیافتی تطبیقی و تحلیلی از نسل‌های دانشگاهی ارائه شده است.

1. Morin

2. Etzkowitz and Leydesdorff

4. Pawlowski

۳. نمونه دانشگاه خصوصی WSB- NLU



جدول ۱: رهیافتی تطبیقی و تحلیلی از نسل‌های دانشگاهی

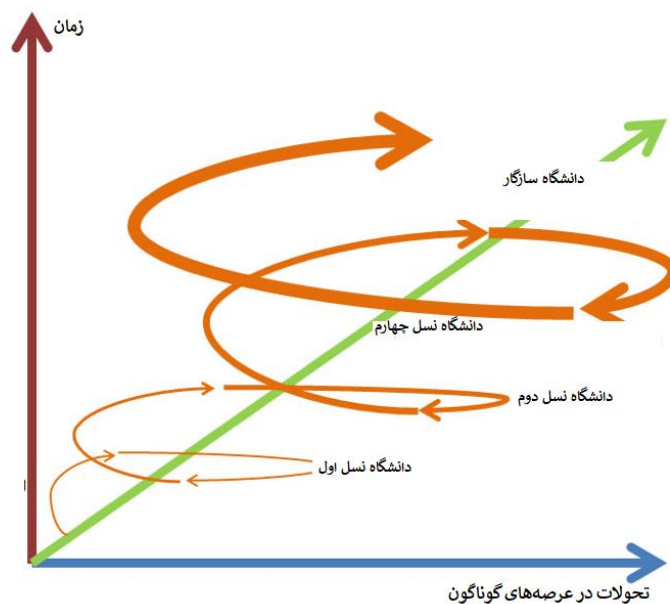
دوره	بازه زمانی	رویکرد	کارویژه	الگوی آکادمیک
نسل اول	میانه سده بیستم	تنوع در موامیرت‌های موجب بروز تعارض می‌شود	فقط کارویژه آموزشی	دانشگاه آموزشی <sup>۱</sup>
نسل دوم	در طی دهه ۸۰	آموزش و پژوهش به‌عنوان وظیفه اصلی دانشگاه مورد پذیرش قرار گرفت و فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی که قبلاً به‌صورت مجزا در کالج‌ها انجام می‌شد در قالب نظام دانشگاهی جمع شد	دو کارویژه آموزش و پژوهش	دانشگاه پژوهشی <sup>۲</sup>
نسل سوم	اوایل قرن بیست و یکم	ارتباط بین دانشگاه و صنعت توسعه یافت و موضوع هماهنگی دانشگاه با نیازهای صنعت برای معرفی فناوری‌های جدید از طریق یکپارچه سازی پژوهش‌ها	علاوه بر حفظ سنت‌های نسل اول و دوم دانشگاهی باید دانشگاه ارزش آفرینی کند	دانشگاه کارآفرین <sup>۳</sup>
نسل چهارم	در حال شکل‌گیری و تکامل	آموزش، پژوهش و به کارگیری دانش در ارتباط با صنعت برای توسعه محلی و منطقه‌ای	حفظ سنت نسل‌های گذشته و توسعه محلی و منطقه‌ای	دانشگاه نسل چهارم (اجتماعی)

آنچه که پیداست جریان کلی جهان حاکی از بالا بودن نرخ تغییرات است. هم‌راستا با تغییر و تحول نهادهای جامعه، سرعت تغییرات محافل علمی و دانشگاه‌ها نیز بیشتر می‌شود. عصر کشاورزی بیش از پنج هزار سال طول کشید و عصر صنعت حدود یک صد و پنجاه سال استمرار داشت (تافلر، ۱۹۹۶). پیش‌بینی این است که عصر دانش طول عمر کمتری خواهد داشت و اعصار دیگری متولد خواهند شد. با توجه به روند گذشته و تغییرات وسیع جامعه، نیاز به دانش به‌طور فزاینده‌ای در آینده بیشتر خواهد شد. دانشگاه، جهانی کوچک در جامعه بزرگتر بوده (دیلناتی، ۲۰۰۱) و سازمان، ارزش‌ها و چشم‌انداز دانشگاه نمی‌تواند در جهان پویا، ایستا بماند. ایستایی دانشگاه‌ها در شرایط پویا به معنای مرگ و نابودی آنها خواهد بود (بالاس<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۹).

بر اساس پژوهش‌های انجام شده در زمینه آینده دانشگاه‌ها می‌توان جمع‌بندی کرد که نیروهای جامعه با قدرت و شدت بیشتری در حال فشار برای تغییر و تحول در نظام دانشگاهی هستند (هارسیچ و وبر،

1. Teaching University
2. Research University
3. Entrepreneurial University
4. Blass

۱۹۹۹). دانشگاه‌ها باید خود را با تغییرات مورد نظر جامعه، انطباق و سازگار کنند. عدم انطباق و سازگاری با جامعه، سرآغازی بر نابودی فیزیکی یا ماهیتی دانشگاه و کارکردهای آن خواهد بود. لیکن منظور نگارندگان از این پژوهش از دانشگاه اسلامی، دانشگاه‌های سازگار با محیط و ارزش‌های انقلاب اسلامی و توأمان با حفظ کنشگری‌های دانشگاه نسل چهارم در منطقه است. در واقع تلفیقی از کارکرد منطقه‌ای با حفظ ارزش‌های ملی و انقلابی است. چراکه با توجه به شرایط فعلی کشور و قرار گرفتن در شرایط تحریم ناعادلانه بین‌المللی و عواملی دیگر همچون تأکید بر اقتصاد مقاومتی و جهش تولید و مانع‌زدایی که پیوسته هر ساله در اشعار ملی و اسناد بالادستی کشور بر آن تأکید می‌شود. در کنار دغدغه امروز حکمرانان کشور مبنی بر حفظ ارزش‌های دینی و اعتقادی به‌وسیله نهادهای آموزشی به‌ویژه دانشگاه می‌توان ایده دانشگاه سازگار شونده در تراز و سازگار با انقلاب اسلامی را به‌مثابه راه‌حلی بر این امر برشمرد. نگارندگان این پژوهش برآن هستند تا با بازخوانی و بازکاوی اسناد مربوط به سند دانشگاه اسلامی دیدگاهی جامع و فراخ را از موضوع فراهم آورند که این ضمن مرتفع ساختن برداشت‌های ناصواب از دانشگاه اسلامی و فروکاستن آن به قرائت‌های شخصی و نادرست پرده بردارند. همچنین با ارائه دورنمای جامع به سیاستگذاران و دست‌اندارکاران نظام آموزش عالی ایران توصیه‌های سیاستی برای پیاده‌سازی هرچه بهتر این امر ارائه کند. برای بازنمایی بهتر جایگاه دانشگاه سازگار در گذار نسل‌های دانشگاه نگاره (۱) ترسیم شده است.



شکل ۱: بازنمایی جایگاه دانشگاه سازگار شونده در نسل‌های دانشگاهی

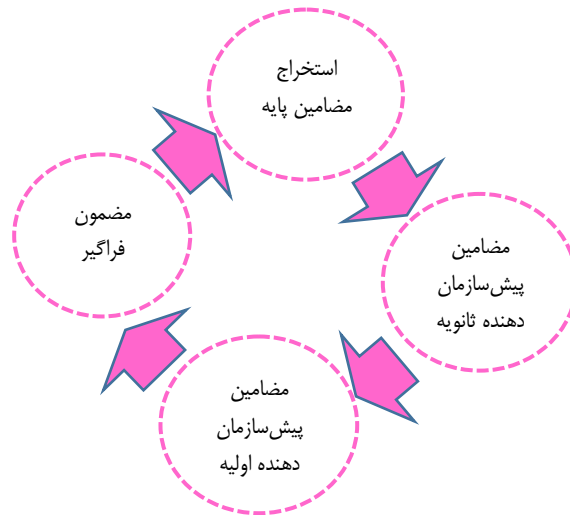
در یک محور زمان و محور دیگر تحولات عرصه‌های گوناگون به فراخور تحولات زمانی در نظر گرفته شده است. نخست با رویش دانشگاه‌های نسل اول و آموزش محور مواجه بوده‌ایم. رفته رفته با تحولات بیشتر گونه جدیدی از دانشگاه تحت عنوان دانشگاه پژوهش محور (نسل دوم) به منصه ظهور رسید. با افزایش تقاضاها و تحولات به‌ویژه اقتصادی نسل سوم دانشگاه‌ها در گذار زمانی دانشگاه کارآفرین نام گرفت. در این نسل کنش‌های کارآفرینی در قلب فعالیت‌های دانشگاهی جای دارد. با مرور زمان با سوگیری تحولات به سمت تقاضاهای اجتماعی همچون مسئولیت اجتماعی در کنار خواست اقتصادی، نسل چهارم دانشگاهی، دانشگاه‌های منطقه‌ای پا گرفتند. اگر دامنه تحولات به‌ویژه با بافتار و فضای فکری هر جامعه پی‌جویی کنیم امروزه دغدغه‌ها و انتظارات جدیدی افزون بر انتظارات پیشین از دانشگاه وجود دارد. در واقع این انتظارات در هر جامعه‌ای در کنار حفظ کارکردهای اصلی دانشگاهی متفاوت است. افزون بر این بر کارکردهای اجتماعی، در دانشگاه اسلامی همه ارزش‌های متعالی قرآنی، اسلامی، فرهنگ و برترین اندیشه علمی، خلاقیت‌های ذهنی و تولیدات علمی و فکری در رفتار و شخصیت دانشگاهیان به‌مثابه الگوهای مطلوب اجتماعی پدیدار شود. تمامی عناصر و ارکان در این دانشگاه باید همسو و هم‌جهت با اصول، ارزش‌ها و آرمان‌های والای الهی، محتوای آن بهره‌مند از منابع دینی، مدیریت آن برخوردار از هوش معنوی بالا و معرفت اخلاق دینی برجسته و کارکنان آن واجد بصیرت معنوی و پایبند به ارزش‌های الهی و اسلامی باشند و اساتید متخصص آن، آموزش را زکات علم و یادگیری را واجب عینی دانسته و همواره در راستای توسعه و تعالی خود، دانشگاه و جامعه خویش، به آموزش و تربیت دانشجویان بصیر و توانمند اقدام کنند (جعفرزاده و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین، در چنین فضای، محیط دانشگاه سرشار از معنویت و مکارم اخلاقی به منظور رشد و تعالی فردی و تربیت صحیح و تزکیه و تعلیم نفوس ایجاد می‌شود و حیات و شخصیت معنوی و اخلاقی افراد اعتلا می‌یابد (خان محمدی، ۲۰۰۷). بنابراین، علاوه بر کارکردهای اجتماعی دانشگاه اسلامی، این دانشگاه دارای کارکردهای همچون: (۱) انسان‌سازی؛ (۲) استقلال فکری و تحقق فرهنگ توانستن؛ (۳) پی‌ریزی و ساختن آینده؛ (۴) تضمین سعادت ملت‌ها و چراغ راه جامعه (ذوالفقارزاده و سعدآبادی، ۲۰۱۴). ما نیز اکنون در این برش زمان و نقطه تحولات در عرصه‌های گوناگون نیازمند تغییراتی در شکل دانشگاه در ادامه و تکامل با نسل‌های دانشگاهی، تحت عنوان دانشگاه سازگار اسلامی هستیم.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر ذیل پارادایم تفسیرگرایی جای می‌گیرد. پارادایم تفسیری مدعی است جهان را آن‌چنان که هست باید شناخت و علاقه‌مند است ماهیت بنیادی جهان اجتماعی را در سطح تجربه ذهنی بشناسد. این پارادایم در رهیافت خود به علوم اجتماعی به نام انگاری، غیراثبات‌گرایی، اختیارگرایی و ایده‌نگاری گرایش دارد. پارادایم تفسیری محصول مستقیم سنت تفکر اجتماعی ایدئالیست آلمانی است. این پارادایم خود را به درگیری در مباحث مربوط به ماهیت وضع موجود، نظم اجتماعی، توافق انسجام و تلفیق

اجتماعی، همبستگی و فعلیت متعهد می‌داند. نظریه پردازانی چون دیلتای، وبر، هوسرل و شوتز در ایجاد این سنت به منزله چارچوبی برای تحلیل اجتماعی کمک زیادی کرده‌اند (دانایی فرد، ۲۰۰۸). با توجه به اهداف، موضوع و رویکرد، پژوهش کیفی است. فرایند پژوهش کیفی با سه فعالیت مهم و مرتبط با هم شامل هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تعریف می‌شود. در واقع پژوهشگر کیفی، با هرآنچه از سوابق فرهنگی خویش در توشه دارد در چارچوب هستی‌شناسی و نظریه‌های خود با پدیده‌های جهان روبه‌رو می‌شود. این هستی‌شناسی سلسله پرسش‌های را طرح می‌کند که وی جویای یافتن پاسخ آنهاست (و این امر در حوزه معرفت‌شناسی قرار می‌گیرد) و پژوهشگر می‌کوشد به یاری روش‌شناسی (شامل گردآوری و تحلیل داده‌ها) موضوع را مورد تحلیل قرار دهد و آنگاه تفسیرهای خود را به نگارش در آورد (نیک‌پیما و همکاران، ۲۰۱۴). در تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. تحلیل مضمون فرایندی برای تحلیل اطلاعات کیفی است. این روش، صرفاً یک روش کیفی همانند دیگر روش‌ها نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار می‌رود. از تحلیل مضمون می‌توان به خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد. این روش، مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌سازد (لطیفی و همکاران، ۲۰۱۷). در این راستا، شبکه مضامین بر اساس یک رویه مشخص، مضامین زیر را نظام‌مند می‌کند؛ (۱) مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)؛ (۲) مضامین سازمان‌دهنده (مقولات به‌دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه)؛ (۳) مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل). سپس این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. در واقع، شبکه مضامین به‌عنوان رویه‌ای برای تهیه مقدمات تحلیل یا ارائه نتایج پایانی تحلیل نیست، بلکه تکنیکی برای شکستن متن و یافتن نکات معقول و برجسته روشنی در درون متن است (عابدجعفری و همکاران، ۲۰۱۱).

بر این اساس، نخست به‌طور کامل متن اسناد مورد خوانش قرار گرفت. سپس واحد تحلیل پارگراف برای تحلیل استناد انتخاب شد. لیکن هر پاراگراف به‌طور دقیق و چندباره به‌وسیله پژوهشگران بررسی شد سپس مفاهیمی که دارای بار ارزشی بودند استخراج شدند. در مرحله بعدی این مفاهیم بر اساس وجوه اشتراک و افتراقی که داشته‌اند در قالب مضامین پیش سازمان‌دهنده ثانویه دسته‌بندی شدند. سپس همه پیش سازمان‌دهنده ثانویه مرتب شدند و سپس مجدد مورد مطالعه قرار گرفتند تا نکته‌ای مغفول نماند و خطایی در خوشه‌بندی رخ نداده باشد. در گام بعدی پیش سازمان‌دهنده ثانویه نیز بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های معنایی در قالب پیش سازمان‌دهنده اولیه دسته‌بندی شدند. در واقع نوعی چرخش استقرایی برای احصا داده وجود داشت. لیکن نخست از کوچک‌ترین واحد تحلیل (مفهوم یا کلمات کلیدی) اسناد آغاز شد سپس به‌طور پلکانی در سطوح انتزاعی و بالاتر با رویکرد مفهومی دسته‌بندی شدند. سپس برای ترسیم شبکه مضامین، مضمون اصلی (معادل مقوله محوری در روش گرنند تئوری) انتخاب و سپس سایر مضامین به آن متصل شدند. این فرایند در نگاره (۲) به تصویر کشیده شده است.



شکل ۲: فراگرد تحلیل داده‌های کیفی

### یافته‌های پژوهش

#### الف) مؤلفه‌های اصلی دانشگاه اسلامی

برای پاسخ به سؤال نخست پژوهش، پس از استخراج مضامین پایه (مفاهیم کلیدی)، این مضامین بر اساس وجوه اشتراک و افتراق به مضامین پیش سازمان دهنده ثانویه دسته‌بندی شدند. سپس مضامین پیش سازمان دهنده ثانویه نیز برحسب اشتراکات و افتراقات به مضامین پیش سازمان دهنده اولیه (مؤلفه‌های دانشگاه اسلامی) طبقه‌بندی شدند. روی هم رفته، ۹ مضمون پیش سازمان دهنده اولیه (مؤلفه‌های دانشگاه اسلامی)، ۲۰ مضمون پیش سازمان دهنده ثانویه و ۱۶۶ مضمون پایه استخراج شد. یافته‌های این بخش در جدول (۲) به تفصیل تشریح شده‌اند.

جدول ۲: تحلیل مضامین یافته‌های پژوهشی

مضمون فراگیر	مضامین پیش‌سازمان دهنده اولیه	مضامین پیش‌سازمان دهنده ثانویه	مضامین پایه
دانشگاه اسلامی	سازگاری علمی با محیط پیرامونی	سازگاری عملکردی با محیط پیرامونی	رفع نیازهای جامعه/ حل مسائل کلان فرهنگی، سیاسی و اجتماعی / توجه به نیازهای مناطق مختلف کشور/ پاسخ به نیازهای بومی و اقتضائات جامعه اسلامی/ همکاری دانشگاه با بخش‌های مختلف جامعه/ حضور اثربخش دانشگاه در جامعه/ تولید علم متناسب با نیازها و مقتضیات کشور/ کارآمدسازی مؤسسات آموزش عالی آزاد

		برای رفع نیازهای کشور/ تأمین منافع ملی و مصالح عمومی
	سازگاری فکری با محیط‌های پیرامون	توسعه تعامل علم و دین/ تعامل مستمر و هدفمند عناصر علمی حوزه و دانشگاه/ تعامل آموزشی بین حوزه و دانشگاه/ تعامل حوزه و دانشگاه برای حل مشکلات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه/ رابطه علم و دین و خدمات متقابل آنها
سیستم آموزشی کارآمد	یاددهی و یادگیری اثربخش	انگیزه متعالی تدریس و تحصیل/ توسعه نظریه‌پردازی آموزشی/ خردورزی/ آزاداندیشی/ پرسشگری، پاسخ‌گویی و نقدپذیری/ مدیریت زمان و بهره‌وری در آموزش/ کسب تجربیات آموزشی بین‌المللی/ توسعه فعالیت‌های علمی بین‌المللی/ ترویج روحیه نقد علمی/ مسأله محوری در آموزش/ خلاقیت و نوآوری/ بکارگیری دستاوردهای جدید و معتبر علمی آموزشی/ بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و پیشرفته در آموزشی/ به روز رسانی تجهیزات آزمایشگاهی در تراز جهانی/ بسط روحیه پرسشگری/ پیوستگی آموزش و پژوهش
	توسعه ارزش‌های آموزشی	بازنگری برنامه‌های درسی بر اساس آموزه‌های اسلامی/ ترویج اخلاق اسلامی و حرفه‌ای در متون آموزشی/ تقویت مهارت‌های زندگی اسلامی/ معرفی موارد و مفاخر دینی، علمی، فرهنگی و تاریخی در برنامه‌ها و متون درسی/ طرح دستاوردهای دانشمندان اسلامی- ایرانی در متون درسی
ارزش‌های تربیتی - فرهنگی	ارزش‌های مداری تربیتی	تبیین نقش تربیتی و اخلاقی استادان/ ترویج نقش و جایگاه تربیتی و اخلاقی استادان در جامعه/ نهادینه سازی جایگاه تربیتی و اخلاقی استادان در جامعه/ بسط اخلاق حرفه‌ای اسلامی/ نوآندیشی دینی در زمینه‌های مورد نیاز دانشگاهیان و نخبگان/ تقویت ارتباط دانشگاه با خانواده دانشجویان
	ارزش‌های فرهنگی	تعامل اثربخش فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دانشگاهها با دانشگاه‌های جهان و جهان اسلام/ افزایش سهم تأثیرگذاری فرهنگی بر دانشگاه‌های جهان/ ساختارهای اثربخش جهت هماهنگی و هم افزایی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در عرصه بین‌المللی/ هم اندیشی و تعامل نخبگان فرهنگی دانشگاه‌های جهان/ تقویت باورهای دینی/ الگوسازی شخصیت‌ها و مفاخر علمی فرهنگی/ مشارکت استادان در فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی
	ارزش‌های ایرانی- اسلامی	احیای هویت تمدن اسلامی - ایرانی/ ارتقای روحیه خودباوری و نفی انفعال و خودباختگی در مقابل تمدن غرب/ احیا و تحقق تمدن نوین اسلامی

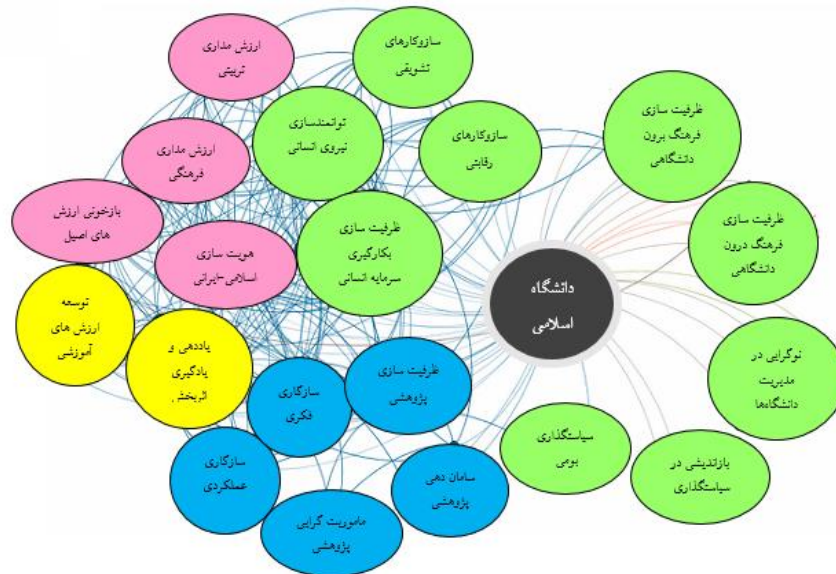
	هویت سازی اسلامی- ایرانی	مواجهه انتقادی با تمدن‌های دیگر/ رصد تحولات تمدن غرب/ عقلانیت اسلامی/ تبیین و ترویج سبک زندگی اسلامی- ایرانی/ تقویت هویت ملی/ خودباوری (هویتی) استادان و دانشجویان
توسعه ظرفیت سرمایه انسانی	ظرفیت سازی بکارگیری سرمایه انسانی	مشارکت فعال استادان، نخبگان و دانشجویان در پروژه‌های ملی و تمدنی/ تعامل مستمر استادان با مسئولین دستگاه‌ها و مسئولین ارشد نظام/ تقویت تشکل‌های دانشجویی و مشارکت دانشجویان/ استفاده حداکثری از ظرفیت‌های دانشجویان برای اداره امور/ ارتقای نقش انجمن‌های علمی/ بکارگیری ظرفیت دانش آموختگان در حل مسائل کلان کشور
	توانمندسازی نیروی انسانی	نخبه‌پروری/ توسعه قابلیت‌های اجتماعی و مهارت‌های گروهی دانشجویان/ توسعه توانمندی و تقویت ظرفیت استادان برای حل مسائل کلان کشور/ دانش‌افزایی و ارتقای حرفه‌ای استادان/ اعزام هدفمند و مأموریت‌گرایانه در بورس‌ها / انتقال تجربیات برون دانشگاهی به دانشگاه‌ها
رهبری مؤثر در آموزش عالی	سیاست‌گذاری بومی در آموزش عالی	اولویت پذیرش بومی دانشجویان بر مبنای آمایش/ ارتقای سطح کیفی دانشگاه‌های استانی/ عدالت آموزشی بر اساس آمایش سرزمین/ ابتناء به اقتضات آمایش سرزمینی/ ایجاد رشته‌های تحصیلی متناسب با نیازها و اولویت‌های جامعه/ بومی سازی رشته‌های تحصیلی
	بازاندیشی در سیاست‌گذاری آموزش عالی	ممانعت از مداخلات برون دانشگاهی در دانشگاه/ توجه به نقشه جامع علمی کشور [در سیاست‌گذاری‌ها]/ مشارکت حداکثری دانشگاهیان در امور دانشگاه/ اصلاح ساختارهای قانونی و مدیریتی دانشگاه‌ها/ نقش آفرینی علمی- فرهنگی دانشگاه در سطح بین المللی/ ایجاد نهاد فرادانشگاهی برای ارزیابی کیفیت خروجی دانشگاه‌ها/ متناسب‌سازی مدت تحصیل با تحولات علمی/ ارتقای ظرفیت و سطح آموزش عالی کشور/ بازتعریف تخصیص بودجه بر اساس رتبه‌بندی/ رتبه‌بندی و نظارت و ارزیابی به‌صورت فرادستگاهی/ تعامل علمی با مراکز معتبر علمی و فناوری بین المللی/ ایجاد رشته‌های تحصیلی کاربردی/ تحول و نوسازی رشته‌های دانشگاهی/ بازنگری در رشته‌های تحصیلی بر مبنای تقاضای اجتماعی/ بازنگری در رشته‌های تحصیلی بر مبنای تحولات و رویکردهای نوین آموزشی/ دستیابی به توسعه پایدار نظام دانشگاهی/ حضور دانشگاه‌ها در مجامع و انجمن‌های علمی بین‌المللی/ رعایت مصالح کشور در تعاملات بین‌المللی/ تعامل و همکاری با دانشگاه‌های معتبر جهان

	نوگرایی در مدیریت دانشگاهها	افزایش مسئولیت‌پذیری دانشگاه/ کارآفرینی و افزایش اشتغال مولد و پایدار دانشگاه/ تعامل دانشگاه با جامعه و صنعت/ جذب استعدادها درخشان و نخبگان در هیأت علمی/ افزایش تعاملات علمی استاد و دانشجو/ تعادل هدفمند نظام‌های فرهنگی، آموزشی، پژوهشی و مدیریتی دانشگاه/ مدیریت اسلامی در دانشگاه‌ها/ شایسته‌سالاری در انتخاب و ارتقای مدیران دانشگاهی/ آموزش و تربیت مدیران دانشگاهی/ ارتقای توان معرفتی، مدیریتی و فرهنگی مدیران دانشگاهی/ رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی در رفتار و عملکرد مدیران دانشگاهی/ نقش و وظیفه مدیران دانشگاهی در حل مسائل ملی/ رتبه‌بندی مدیران دانشگاهی
سازوکارهای تشویقی و رقابتی	توسعه سازوکارهای تشویقی	تجلیل از استادان منتخب علمی، فرهنگی و سیاسی/ افزایش نشاط سیاسی، فرهنگی و دانشگاهیان/ بهره‌مندی نخبگان از مزایای مادی و معنوی پژوهش
	توسعه سازوکارهای رقابتی	بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی و رقابتی دانشگاه‌ها/ رقابت دانشگاه‌ها در سطح بین‌المللی/ ایجاد فضای رقابتی/ توجه به مزیت‌های نسبی و رقابتی پژوهشی دانشگاه‌ها/ رقابت مؤثر دانشگاه‌ها و پژوهشگران در سطح بین‌المللی
ظرفیت سازی‌های نرم	ظرفیت سازی فرهنگ درون دانشگاهی	ترویج فرهنگ ورزش در دانشگاه/ فرهنگ مطالعه، کار و تلاش در دانشگاه/ فرهنگ قانون‌مداری و نظم‌پذیری/ حفظ شئون محیط علمی دانشگاه/ ساخت پردیس دانشگاه‌ها با رویکرد معماری اسلامی/ رعایت استانداردهای علمی، اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی در فضاهای دانشگاهی/ فضاهای کالبدی دانشگاه‌ها متناسب با الگوی معماری اسلامی- ایرانی/ نظام جامع فرهنگی- تربیتی متناسب با محیط دانشگاه/ هماهنگی و انسجام نظام‌های دانشگاهی در محیط دانشگاه
	ظرفیت سازی فرهنگ برون دانشگاهی	ترویج فرهنگ و جلب مشارکت خیرین در جامعه/ توسعه فرهنگ تولید ثروت در جامعه
ساماندهی ظرفیت‌های علم و فناوری	مأموریت‌گرایی پژوهشی	تولید علم نافع/ مسأله محوری در پژوهش/ محصول پژوهشی مورد نیاز جامعه/ اثربخشی خروجی‌های نظام پژوهشی/ تأمین نیازهای جامعه از طریق پژوهش/ تجاری سازی یافته‌های پژوهشی/ کار جمعی پژوهشی/ تبدیل ایده به محصول/ تولید علم در سطح جهانی/ پاسخ‌گویی پژوهشی دانشگاه‌ها به نیازهای علمی و پژوهشی کشور



		<p>ظرفیت سازی پژوهشی</p>	<p>پژوهش‌های بین‌رشته‌ای / همکاری علمی - پژوهشی حوزه و دانشگاه / تشکیل گروه‌های پژوهشی / توسعه پژوهش در عرصه بین‌المللی / شبکه‌سازی پژوهشی در سطح جهان اسلام / ارتقای منابع انسانی پژوهشی / تربیت مدیران پژوهشی متعهد و متخصص / جذب پژوهشگران در آموزش عالی / تحصیلات تکمیلی پژوهش محور / مهارت‌افزایی پژوهشگران / توسعه ظرفیت کارآفرینی پژوهشی / توسعه شرکت‌های دانش بنیان / تأکید بر رشته‌های پژوهش محور</p>
		<p>ساماندهی پژوهشی</p>	<p>یکپارچه‌سازی سیاست‌های پژوهش و فناوری / بهینه‌سازی ساختار مدیریتی پژوهش و فناوری / اولویت علم بومی / آینده پژوهی علمی / دیپلماسی علم و فناوری در عرصه جهانی و جهان اسلام / ارتقای جایگاه پژوهش، تولید علم و فناوری / ارتقای جایگاه پژوهشگر / دستیابی به مرجعیت علمی در جهان / انتشار و تبادل دانش و فناوری در داخل و جهان / بهره‌گیری از فرصت‌های جهانی پژوهش / توجه به قوانین مالکیت فکری و معنوی / تقاضامحوری در پژوهش و فناوری / سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی در پژوهش / برخورد قانونی با تقلب در حوزه علم و فناوری / مواجهه انتقادی با جریان ترجمه‌زدگی / نظریه‌پردازی پژوهشی / بازتعریف ساز و کار بودجه‌بندی پژوهشی دانشگاه‌ها</p>

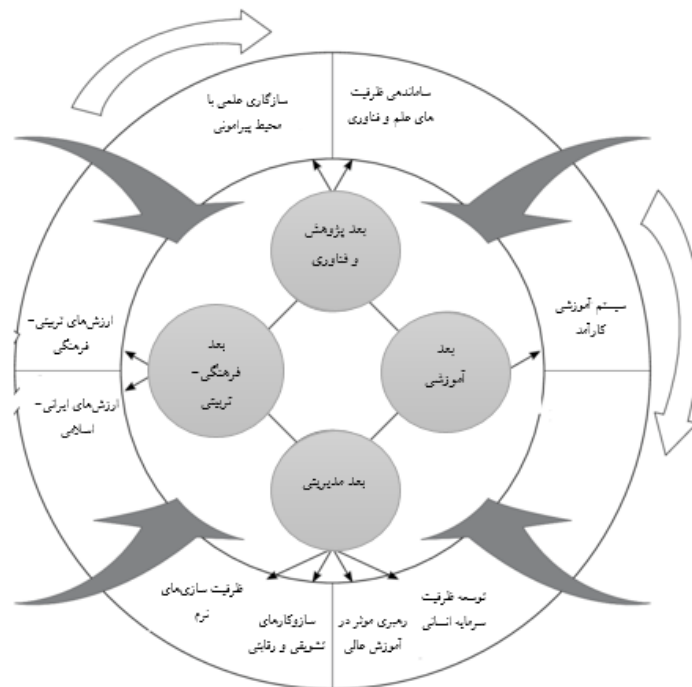
مرحله بعد در تحلیل مضمون، ترسیم شبکه مضامین است. شبکه مضامین بر اساس رویه‌ای مشخص، طی چهار مرحله؛ دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی و در نهایت مشاهده نظام‌مند صورت می‌گیرد. در این فرایند مضامین زیر را نظام‌مند می‌کند؛ الف) مضامین پایه (مفاهیم کلیدی و نکات موجود در متن)؛ ب) مضامین پیش سازمان دهنده (مقولات به‌دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و ج) مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل) سپس این مضامین به‌صورت نقشه‌های شبکه وب رسم می‌شوند که در آن مضامین برجسته هر یک از سه سطح نام برده، همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود، شبکه مضامین رویه‌ای برای تهیه مقدمات یا ارائه نتایج پایانی تحلیل نیست بلکه راهکاری برای شکستن متن و یافتن نکات معقول و برجسته درون آن می‌باشد (عابد جعفری و همکاران، ۲۰۱۲). در این پژوهش نیز با محور قرار گرفتن مضمون فراگیر (دانشگاه اسلامی) مضامین پیش سازمان دهنده ثانویه به آن به‌صورت شبکه وب متصل شدند.



شکل ۳: شبکه مضامین پیش‌سازمان‌دهنده دانشگاه اسلامی

### ب) ابعاد اصلی دانشگاه اسلامی

برای پاسخ به سؤال دوم تحقیق، براساس یافته‌های پژوهش مضامین نه‌گانه پیش‌سازمان‌دهنده اولیه (مؤلفه‌ها) براساس شباهت‌های مفهوم‌شناختی و معنایی با عنایت به زمینه‌های متن در قالب ابعاد چهارگانه؛ (۱) بُعد پژوهش و فناوری؛ (۲) بُعد آموزشی؛ (۳) بُعد مدیریتی و (۴) بُعد فرهنگی و تربیتی دسته‌بندی شدند. زیرمجموعه‌های بُعد پژوهش و فناوری شامل (سازگاری علمی با محیط پیرامونی و ساماندهی ظرفیت‌های علم و فناوری)؛ زیرمجموعه‌های بُعد آموزشی (سیستم آموزشی کارآمد)؛ زیرمجموعه‌های بُعد مدیریتی (توسعه ظرفیت سرمایه انسانی، رهبری مؤثر در آموزش عالی، سازوکارهای تشویقی و رقابتی و ظرفیت‌سازی‌های نرم) و زیرمجموعه‌های بُعد فرهنگی تربیتی (ارزش‌های تربیتی- فرهنگی و ارزش‌های اسلامی و ایرانی) می‌شد. بر این اساس، دانشگاه اسلامی با ابعاد چهارگانه و مؤلفه‌های نه‌گانه به‌عنوان سیستم اجتماعی باز که در تعامل دو سویه با دیگر زیرسیستم‌های جامعه می‌باشد در بستر محیط اجتماعی، علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ایران جای می‌گیرد. این تصویرسازی در نگاره (۴) بازنمایی شده است.



شکل ۴: ابعاد چهارگانه و مؤلفه‌های مدل شماتیک دانشگاه اسلامی

بر اساس یافته‌ها برآمده از اسناد مربوط به دانشگاه اسلامی برای استقرار دانشگاهی سازگار و هم‌تراز با محیط علمی و فرهنگی باید به‌طور سیستماتیک به تمامی جنبه‌ها توجه کرد. به‌ویژه به تأثیرپذیری دانشگاه به‌عنوان زیرسیستمی از جامعه توجه داشت. در بُعد پژوهشی ما با دو مؤلفه سازگاری علمی با محیط پیرامونی و ساماندهی ظرفیت‌های علم و فناوری مواجه هستیم. بنابراین باید همگرایی بین کنش‌های پژوهشی دانشگاه با شرایط موجود در جامعه ایران انجام شود. افزون بر این، در قبال دغدغه‌ها و انتظارات پژوهشی خاصه محیط انقلاب ایران نیز پاسخ‌گویی حاصل شود. این کنش‌ها باید با نظارت دقیق و رصد مستمر اثربخشی آنها متناظر با انتظارات و همسو با چارچوب انقلاب اسلامی ایران صورت پذیرد. با توجه به بافتار کشور پیوند دوسویه و محکمی میان حوزه و دانشگاه برقرار گردد. تا از این تعامل شاید رویش اندیشه‌های باشیم که خاصه محیط کشور ایران باشد. مسئله کاوی بومی باید سرحوله تمامی تولیدات پژوهشی دانشگاه‌ها قرار گیرد. روی هم رفته باید هارمونیک و تناسبی بین عرضه و تقاضای پژوهش با توجه شرایط ملی برقرار شود. بُعد دیگر آموزشی است. باید نظام آموزشی کشور متناظر با شرایط ملی و بومی بازتعریف شود. محتوا و سرفصل‌های درسی با اقتباس از ارزش‌های دینی و مسائل روز جامعه ایران تدوین و بسط یابد. روحیه پرسشگری و نقادی قضای دانشگاه‌ها جاری باشد. اخلاق دینی و تکامل یافته دیگر رویکردهای اخلاقی باید در فعالیت‌های آموزشی برقرار باشد. تا یاددهندگان و

یادگیرندگان با تأسی از این اخلاق پرورش یابند و به نوعی تهذیب اخلاقی در غالب فعالیت‌های آموزشی توسعه یابد.

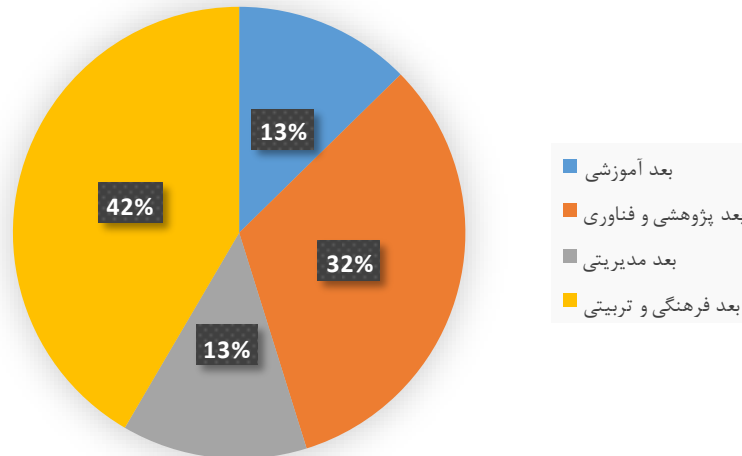
بعد سوم مدیریتی است. بدین معنا که ما نیازمند پوست‌اندازی مدیریتی متناسب با شرایط و ساختارهای کشور هستیم. این پوست‌اندازی بر اساس تحلیل اسناد در قالب چهار مؤلفه: رهبری مؤثر در آموزش عالی، توسعه ظرفیت سرمایه انسانی، ظرفیت سازی‌های نرم و سازوکارهای تشویقی و رقابتی به‌دست آمده است. پیش از هر چیزی باید رویکردهای آمایشی سرزمینی در توسعه آموزش عالی ایران با نگاهی به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های منطقه‌ای توجه شود. رشته‌های تحصیلی نوینی با رویکرد میان رشته‌ای با توجه به ظرفیت‌های دینی کشور و اقتضائات محیطی کشور در منطقه طراحی و توسعه یابد که خاصه بر مسائل جهان اسلام تمرکز داشته باشد. نکته دیگر مشارکت حداکثری و گسترده تمامی گروه‌های ذی‌نفع در حکمرانی در سطح آموزش عالی و در سطح دانشگاه است. تعاملات بین‌المللی تا سر حد ممکن گسترش یابد دست کم با توجه به دیپلماسی وزارت خارجی کشور تعاملات بین‌المللی دانشگاه‌ها بسط یابد. نکته شایان توجه دیگر توسعه سرمایه انسانی دانشگاهیان است. در واقع به پندار بسیاری از نظریه‌پردازان مدیریت، سرمایه انسانی مهم‌ترین دارایی هر سازمانی است و جنگ آینده، جنگ بر سر منابع انسانی خواهد بود. لیکن باید این سرمایه در دانشگاه‌ها از رهگذر برنامه‌های گوناگون توسعه یابد و تفکری نظام‌مند در پس توسعه سرمایه انسانی دانشگاهیان وجود داشته باشد که باور به این امر داشته باشد. به میزانی که این سرمایه توسعه یابد می‌توان اهداف و چشم‌اندازهای دوردست انقلاب اسلامی ایران را تحقق بخشید. سومین مؤلفه سازوکارهای تشویقی و رقابتی است. پر واضح است یکی از سیاست‌های اساسی کشورهای توسعه یافته در نظام آموزش عالی و حتی اقتصاد کلان، توسعه سازوکارهای رقابتی سالم و حمایتی است. این سازوکارهای در دانشگاه‌ها باید متناظر با ساختار و فضای فکری در درون دانشگاه و در سطح وزارت علوم تسری یابد. پایان‌بند این بُعد مؤلفه ظرفیت سازی‌های نرم است. لیکن می‌توان ارزش‌های خاصه ملی را در محیط دانشگاهی پیاده‌سازی کرد. تا فضای دانشگاهی همسو با شرایط کشور محیا ساخت. حتی همگان در ظرفیت‌سازی‌های فیزیکی نیز از معماری اسلامی و تاریخی ایران دیرینه بسیار غنی الهام گرفت. آنچه که پیداست این است که چنین ظرفیتی برای خلق تغییرات در کشور وجود دارد. آخرین بُعد فرهنگی و تربیتی است که می‌توان آن را کنش جدیدی در کارکردهای مشترک دانشگاه‌ها در سرتاسر جهان بر شمرد. این امر با اقتباس خاصه ارزش‌های دینی و ملی محقق می‌یابد و سبب سازگاری بیشتر دانشگاه با شرایط فعلی کشور خواهد شد. باید به مسائلی همچون تربیت اخلاقی و دینی با الهام از آثار و دیرینه غنی کشور ایران و جهان اسلام توجه ویژه‌ای داشت. باید تعاملی اثربخشی بین نهادهای مختلف برقرار شود تا بتوان از ظرفیت‌های موجود بهره‌وری حداکثری داشت. به جای دل‌بستگی و خودباختگی نسبت به غرب باید رویکرد و نگرش انتقادی نسبت به غرب و شرق بر پایه منافع ملی و آمیزه‌های دینی شکل گیرد.

### ج) اعتبار الگوی دانشگاه اسلامی

برای اعتباربخشی به الگوی طراحی شده از روش پایایی باز آزمون هولستی استفاده شده است. در این روش تأمین پایایی هر یک از مضامین پایه توسط دو محقق در دو زمان کدگذاری می‌شوند پس از آن مضامین پایه حاصل از هر یک از پژوهشگران در دو زمان متفاوت با هم مقایسه می‌شوند تا درجه توافق بین دو کدگذاری مشخص گردد. نحوه کار از این قرار است که در هر دو پژوهشگر با استخراج مفاهیم کلید (مضامین پایه) در دو فاصله زمانی داده‌های را گردآوری می‌کنند سپس با عنوان توافق و کدهای نامشابه با عنوان عدم توافق برچسب می‌خورند پس از آن فراوانی توافق و عدم توافق، در فرمول جای‌گذاری و پایایی کدگذاری در دو زمان متفاوت محاسبه می‌گردد. در این پژوهش مضامین پایه انتخاب شده دو بار در فاصله زمانی ۶ روزه توسط دو پژوهشگر کدگذاری شدند که در مجموع ۳۵۰ مضمون پایه استخراج شد از این میان، در ۱۶۶ مفهوم بین کدگذاران توافق وجود داشت. لذا پایایی محاسبه شده در این باز آزمون برابر با ۹۴ درصد بود که با توجه به این‌که این میزان بیش از ۶۰ درصد می‌باشد قابلیت اطمینان کدگذاری مورد تأیید قرار می‌گیرد (پالاس<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۶).

$$\text{درصد پایایی باز} = \frac{166 \times 2}{350} \times 100$$

در ادامه با استفاده از نرم اکسل، بر اساس شمارش مضامین پایه در هر یک از ابعاد چهارگانه دانشگاه اسلامی نمودار درصدی ترسیم شد. این نمودار درجه تأکید مضامین پایه را در هر یک از ابعاد دانشگاه اسلامی نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های این بخش، بُعد فرهنگی و تربیتی با ۴۲ درصد بیشترین سهم را داشت. همان‌گونه که در ادبیات پژوهش در حال حاضر یکی از کارکردهای مهم دانشگاه‌ها مباحث فرهنگی (محیطی) می‌باشد. پس از آن بُعد پژوهشی و فناوری با ۳۲ درصد سپس بُعد آموزشی و مدیریتی با درصد برابر ۱۳ قرار گرفتند.



شکل ۵: نمودار درصدی مضامین پایه (مفاهیم کلیدی) دانشگاه اسلامی

### نتیجه گیری

مسئله دانشگاه اسلامی یکی از گفتمان‌های محافل سیاستگذاری نظام آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران در سه دهه گذشته بوده است. علی‌رغم ورود انقلاب اسلامی به دهه چهارم، هنوز مباحث زیادی در مورد ماهیت، چرایی و چگونگی دانشگاه اسلامی و فرایند اسلامی شدن دانشگاه‌ها وجود دارد. فقر مبانی نظری دانشگاه اسلامی و تقلیدی بودن کلیت مفهوم و کارکردهای دانشگاه در ایران، می‌تواند یکی از دلایل اصلی پیچیدگی فرایند اسلامی شدن دانشگاه‌ها باشد. در این پژوهش پس از سندکاوی و تحلیل اسناد دانشگاه اسلامی برای طرح‌ریزی مدل دانشگاه اسلامی سازگار با محیط اجتماعی و علمی ایران، ابعاد چهارگانه؛ (۱) بُعد پژوهش و فناوری؛ (۲) بُعد آموزشی؛ (۳) بُعد مدیریتی و (۴) بُعد فرهنگی و تربیتی استخراج شد. در ادامه مؤلفه‌های هر یک از ابعاد بر اساس اسناد شناسایی و دسته‌بندی شدند. بُعد پژوهش و فناوری شامل (مؤلفه‌های سازوکاری علمی با محیط پیرامونی و ساماندهی ظرفیت‌های علم و فناوری)؛ بُعد آموزشی (مؤلفه‌های سیستم آموزشی کارآمد)؛ بُعد مدیریتی (مؤلفه‌های توسعه ظرفیت سرمایه انسانی، رهبری مؤثر در آموزش عالی، سازوکارهای تشویقی و رقابتی و ظرفیت سازی‌های نرم) و بُعد فرهنگی تربیتی (مؤلفه‌های ارزش‌های تربیتی- فرهنگی و ارزش‌های اسلامی و ایرانی) می‌شد.

یکی از ویژگی‌های کلیدی دانشگاه اسلامی، سازگاری با محیط علمی و اجتماعی انقلاب اسلامی ایران است. در رقابت با دانشگاه‌های برتر جهان، دانشگاه بدون سازگاری و تعامل مؤثر با محیط علمی و اجتماعی نمی‌تواند به معنی واقعی، اسلامی باشد. یافته‌های به‌دست آمده در این مقاله مبین یکی از برداشتهای واقعی مستند از دانشگاه اسلامی است. کیفیت محصولات و خدمات، مسئولیت‌پذیری و

پاسخ‌گویی از پیامدهای دانشگاه سازگار با محیط است. از این‌رو، یک برداشت صحیح دیگر از دانشگاه اسلامی، دانشگاه کیفی و تمدن‌ساز است. بنابراین، با نتایج این تحقیق، می‌توان گفت که برخی برداشت‌ها از ایده دانشگاه اسلامی، ناصواب و سطحی بوده و با کنکاش در محتوا و مفاهیم طراحی شده در راهبردهای سند دانشگاه اسلامی، قابل تصحیح است. یافته‌های بخش نمودار درصدی نشان می‌داد بُعد فرهنگی و تربیتی با ۴۲ درصد بیشترین سهم را داشت. پس از آن بُعد پژوهشی و فناوری با ۳۲ درصد سپس بُعد آموزشی و مدیریتی با درصد برابر ۱۳ قرار گرفتند. هر چند چنین تدبیری از سوی سیاست‌گذاران نظام آموزش عالی نمی‌تواند اتفاقی باشد، اما اگر این امر ناخواسته و اتفاقی هم بوده باشد، اتفاق مبارک و پسندیده‌ای است. تقلیل مفهوم دانشگاه اسلامی به مفاهیمی نظیر جنسیت، روابط زن و مرد، عفاف و حجاب، مسجد، نماز، روزه و نظایر آنها، برداشت یک سوپه و ناقص از مفهوم تحولی دانشگاه اسلامی بوده و جفا به مفهوم ارزش آفرین آن است. بر اساس مفاهیم دانشگاه اسلامی در مقوله محوری سازگاری با محیط علمی و اجتماعی، دانشگاهی با ویژگی‌های دانشگاه اسلامی می‌تواند در مقایسه با دانشگاه‌های معتبر دنیا، یک دانشگاه کیفی، مسئولیت‌پذیر، پاسخگو، سرآمد و تمدن‌ساز باشد. چنین دانشگاهی، ایده‌آل نظام‌های پیشرفته آموزش عالی جهان بوده و در صورت تحقق، می‌تواند برای نظام‌های دانشگاهی معتبر جهان، الگو و سرمشق قرار گیرد.

علاوه بر مفهوم کلیدی سازگاری با محیط علمی و اجتماعی انقلاب اسلامی ایران، سند دانشگاه اسلامی دارای مفاهیم کلیدی دیگری در آموزش عالی است. عوامل اصلی آموزش و پژوهش نظیر استاد، دانشجو، محتوا و برنامه درسی، فضای علمی و غیره از مفاهیم کلیدی دیگری هستند که می‌توانند موضوعات مطالعاتی و تحقیقاتی ارزشمندی برای مراکز علمی و پژوهشگران کشور باشد. با توجه به تهیه، تصویب و ابلاغ سند دانشگاه اسلامی به دستگاه‌های ذی‌ربط (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه آزاد اسلامی) انتظار می‌رود که در این مرحله، اقدامات ترویجی برای فراهم سازی زمینه‌های اجرا، انجام شود. پژوهش و تدوین و انتشار مقالات علمی یکی از ابزارهای مهم و تأثیرگذار برای ترویج و تشریح مفهوم دانشگاه اسلامی و ایجاد زمینه تفکر درباره دانشگاه اسلامی و فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو است.

## References

- Abed Jafari, Hassan, Taslimi, Mohammad, Faqih, Abolhassan & Sheikhzadeh, Mohammad (2011). "Content analysis and content network: A simple and efficient way to establish patterns in qualitative data ". Strategic Management Thought, (5). (In Persian)

- Blass, Eddie; Jasman, Anne; Shelley, Steve (2009). *Visioning 2030: The future of the Higher Education sector in the UK*, Elsevier Ltd.
- Bourdieu, Pierre (2007). *The Science of Science and Reflection*, translated by Yahya Emami, Tehran, Scientific Research Center. (In Persian)
- Cohen, Michael & March, James (1974). *Leadership and Ambiguity: The American college president*, New York, Mc Grow- Hill.
- Danaeifard, Hassan (2006). "Rival paradigms in management science and organization: A comparative approach to ontology, ontology and methodology". *Knowledge Behavior*, 14 (26). (In Persian)
- Davari Ardakani, Reza (2000). *About Science*, Tehran, Hermes Publications. (In Persian)
- De Boer, Harry; Huisman, Jeroen; Klemperer, Anne; van der Meulen, Barend; Neave, Guy; Theisens, Henno & van der Wende, Marijk (2002). "An analysis of trends and perspectives in higher education and research". The Hague: Adviesraad voor het Wetenschapsen Technologiebeleid, 182.
- Delanetti, Gerard (2007). *Knowledge in Challenge*, translated by Ali Bakhtiari Zadeh, Tehran, Institute of Cultural and Social Studies. (In Persian)
- Delanty, Gerard (2001). *Challenging knowledge: the university in the knowledge society*, Buckingham, Open U. Press.
- Delanty, Gerard (2004). *Does the University Have a Future? In Globalization and Higher Education*, Hawai'i U. Press, Honolulu: 241-254.
- Delanty, Gerard (2005). *The Sociology of the University and Higher Education: The Consequences of Globalization*. In: The SAGE Handbook of Sociology. Sage Pub. Ltd, London, pp. 530-545.
- Dominelli, Lena & Hoogvelt, Ankie (1996). "Globalization and the technocratization of social work". *Critical social policy*, 16(47): 45-62.
- Etzkowitz, Henry & Leydesdorff, Loet (2000). "The dynamics of innovation: from National Systems and "Mode 2" to a Triple Helix of university-industry-government relations". *Research policy*, 29(2): 109-123.
- Farasakhah, Maghsod (2018). *Occasionally University in Iran*. First Edition, Tehran; Agah Publications. (In Persian)
- Gardner, Pull (1992). *Meeting the Challenges of the New Millennium: The University's Role, Challenges facing H.E.* at the millennium, Ch.2, USA, Oryx press.
- Ginkel, Hans (1999). "Networks and Strategic Alliances within and between Universities and with the Private Sector, Challenges facing H.E". at the millennium, Ch.8, USA, Oryx press.
- Hirsch, Werner & Weber, Luc (1999). *Challenges facing H.E.* at the millennium, USA, Oryx.
- Jafarzadeh, Mojtaba; Tahmasabi, Siyamak; Gholipour, Hossein (2019). "Identifying and evaluating the functions of the Islamic University with the approach of the importance of performance". *Basij strategic studies*, 20 (86). (In Persian)
- Jaspers, Karl (1960). *The idea of the university*, London, Peter Owen.
- Khan Mohammadi, Karim (2006). "Examining the process of Islamization of universities". *Islamic University Quarterly*, 32. (In Persian)



- Khorsandi Taskooh, Ali (2017). "Fourth Generation University; Community Mission". *University Today Journal*, 2. (In Persian)
- Latifi, Meysam; Abdolhosseinzadeh, Mohammad; Azarfar, Amir (2015). "Designing a model of succession in government organizations through the use of structural-interpretive modeling". *Quarterly Journal of Management of Government Organizations*, 4 (4). (In Persian)
- Lin Tien, Chang-Lin (1999), "Future Challenges Facing American Higher Education, Challenges facing H.E". at the millennium, Ch.16, USA, Oryx press.
- Mehdi, Reza & Shafiei, Masoud (2017). "Mapping and Capacity Building of Fourth Generation Universities for Local and Regional Development", *Journal of Industry and University*, 53: 22-1. (In Persian)
- Mehdi, Reza (2009). *Evaluation of science production strategies in the technical-engineering group of the country with emphasis on the 20-year perspective of the Islamic Republic of Iran*, PhD thesis, Tehran, Shahid Beheshti University. (In Persian)
- Mohsenpour, Bahram (2011). *Educational Planning*, Tehran, Samat Publications. (In Persian)
- Moran, Edgar (2000). *An Introduction to Complex Thought*, translated by Afshin Jahandideh, Tehran, Ney Publishing. (In Persian)
- Nik Pima, Nasrin; Abedsaeedi, Jila; Azargashb, Aznllah; Alavi Majd, Hamid (2013). "Framework analysis is a way to analyze qualitative data". *Journal of Jihad University Research Institute of Health Sciences*, 13 (1). (In Persian)
- Parsons, Talcott & Platt, Gerald (2013). *The American university. In The American University*. Harvard University Press.
- Pawlowski, Krzysztof (2009). "The 'fourth generation university' as a creator of the local and regional development". *Higher Education in Europe*, 1: 51-64.
- Plas, Jay. M; Kvale, Steinar; KVALE, Steinar (1996). *Interviews: An introduction to qualitative research interviewing*. Sage.
- Power, Michael (1997). *Audit society*, cambridge university press.
- Representation of the Supreme Leader in the University (2004). *Islamic University: Missions, Principles and Strategies*, Tehran, Maaref Publishing. (In Persian)
- Sarton, George (1981). *Introduction to the History of Science*, translated by Gholam Hossein Sadri Afshar, second edition, Tehran, Hudhud Publishing. (In Persian)
- Stagner, Joseph (2016). "Stanford University's fourth generation district energy system: Combined heat and cooling provides a path to sustainability. *District Energy*" Fourth Quarter, 19-24.
- Supreme Council of the Cultural Revolution (2013). Approved by the Islamic University. (In Persian)
- Toffler, Alvin (1995). *The Shock of the Future*, translated by Heshmat A. Kamrani, Tehran, Simorgh Publishing. (In Persian)
- Yamani, Mohammad (2001). *An Introduction to the Performance of University Systems*, Tehran, Shahid Beheshti University Press. (In Persian)
- Yamani, Mohammad (2003). *University Development Planning: Theories and Experiences*, Shahid Beheshti University. (In Persian)

- 
- Yamani, Mohammad (2009). "Adaptive University: A Complex Process, New Approaches and Perspectives in Higher Education", Tehran, Research Institute for Cultural and Social Studies: 13-164. (In Persian)
  - Zolfagharzadeh, Mohammad Mehdi; Saadabadi, Ali Asghar (2012). "Redefining the main functions of the university in society based on Islamic ideals in the thought of Imam Khomeini", Basij strategic studies, 17 (65). (In Persian)